

و یا بد که نباهه جو بد بخند از شیطان در صبح و نفع و زرار کند که لا حول ولا قوة الا بالله
و من گفته ای در سنن نسائی در صورت نبی از ابو هریره رضی الله عنهما که رسول خدا فرمود است
یا بد که نباهه جو بد بخند از شیطان و از گفته او که اگر با شیطان برادری کنی و دوستی
از ابو هریره رضی الله عنه است قال رسول الله صلی الله علیه و آله لا شیطان الا هم
فیقول من خلق کذا حق یقول من خلق ربک فاذا علمت فیستغفر بالله و یستغفر
فما به ازین روایت آنست که در سوره بقره در آیه ۱۶۶ میگوید یا بد که نباهه جو بد
در ارض عام است و ان کانت الوتوسه فی الاعمال فان ذلك
شیطان لیکال که خسترت فلیستغفر یا لله منته و لیقول من
بکراهه تکتا خسترت بخرج و کدر هم قال المصنف الاول الخ
و نه الله و قطع منته که ان قال بطبع در صورت الجری علی الجری انتم
و کجعه کما حکاه القاضی عیاض در تهمایه است که برین معنی در صحیح مسلم و مصنف
ابن ابی شیبه در صورت از عثمان ابن ابی العاص رضی الله عنهما که رسول خدا فرمود است
و اگر با شیطان دوستی کنی که مقصودش از اینست که با شیطان این اعمال از اینها
و ضرر و عمل فان ذلك شیطان ای بر تحقیق ماکه ای آن و سوره بقره نطق آن
و سوره بقره مضاد شیطان است با آن و سوره که مصدر است از حال تا نیکو بگوید
شیطان است که گفته میشود و آن شیطان را اری گویند که نامش خسترت است
و عجب است از مولانا خسترت که گفته شیطان ای من شیطان و ان تکللت الوتوسه
عالمی الخ و سوره بقره عیاض هر چه نیکو که خسترت جان را در سوره و سوره بقره
خود است نه معنی سوره پس یا بد که نباهه جو بد بخند از شیطان و صلا از آن شیطان نباهه
گویند که آن منته از دوازده جایزه خود است که برابر اظهار کرده است و تعجب است

طام

کما هر و من غضب فقال اغوذ بالله من الشيطان الرجيم
ذات عنه قد تبعك ما يحيى غضب بفتح جيم
از باب علم بفتح جيم بنی از رسول بود و در سنن ابوداود و سنن ابی حنیفه
سیدان ابن هر رضی الله عنه که رسول خدا فرمود است محله ابو هریره و کما خسترت
و در خسترت خود پس بگوید این استغفاره را برود از آن کس خسترت کنی یا بد که نباهه جو بد
از آن خسترت که غضبش شیطان است این حدیث مقتبس است از تواتر حق تعالی
و اما نیز عتق من الشيطان نزع فاستغفر بالله قبل رفض غضب استغفاره
در صحت است که در ادب سنیست گفته اند ای ان الذین اتهموا اذا ظلموا
من الشيطان تغذوا فاذا هم مصرون انتهى قال القاضی عیاض
در رفض غضب نه مردم یا استغفاره بر عوم خود است و مطلق و من کان حاد
اللذات فاحشاً لا یتم الا استغفاره لکن ثبت شکوک الی رسول
الذین صلی الله علیه و آله ذم بلسانی فقال ایمن انت من
الا استغفاره لکن ای لا استغفاره الله فی کل یوم یا یته مرتبه
صد بفتح حاء ممدوده و ثمره مدلول حدیث و غیره می باشد از حد
که نشنیده بر این بار کرم در بعضی معنی نیز و خسترت و فی دفع در سنن ابی
و این ماجه و صحیح مسلم در حکم و مصنف ابن ابی شیبه که عمل الیوم و علیه
این سخن در صورت از حدیث بنی عمار رضی الله عنه که رسول خدا فرمود است
باشند نیز زمان در آرزو مردم به شام و غیره تو فرما حسته ای بد از آنی از
حدیث در کتب سنن تفسیر حدیث ان است و معنی آن تفسیر بر زبان خود را یا تصدیق
شان خود و کما به داشت زبان خود در لازم کرد استغفاره را مخصوصاً در اطراف

۲۲

موقوف